

بعد از اولمرت خطر تجاوز اسرائیل به ایران بیشتر می شود یا

کمتر؟

نگاهی به تحلیل نشریه ی ایتالیایی لارپوبلیکا

محمد علی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

این که اسرائیل بتواند یا نتواند آمریکا را وارد جنگی خواسته یا ناخواسته با ایران سازد، و این که تا چه حد احتمال تجاوز به ایران، قوی یا ضعیف است، موضوعی است قابل بحث. اما در هر حال، نباید این موضوع قابل بحث، ما را از سه موضوع غیر قابل بحث غافل کند:

۱ - حاکمان ایران در کلیت خود، برای ادامه ی جنایات روزمره شان و لاپوشانی بحران داخلی، نیاز به بحران خارجی دارند. و بخشی از اینان به دلایلی (که باید جداگانه به آن پرداخت) از درگیری نظامی میان آمریکا و اسرائیل با ایران استقبال می کنند. همچنان که رقیبان پیاده شان در خارج از ایران نیز سرنوشت و بود و نبود خود را با حملات هوایی آمریکا و اسرائیل، و در پی آن ورود به مرحله ی «جنگ آزادی بخش» زمینی گره زده اند؛ و در این مسیر، از آنچه از دستشان برآید کوتاهی نمی کنند. (۱)

۲ - مشکل اصلی همه ی دولت های اسرائیل (با هر ترکیبی که داشته باشند) با ایران، مشکل بمب اتمی نداشتن یا بعداً داشته ی ایران نیست. بلکه مشکل آن ها وجود ایرانی نیرومند و یک پارچه و مستقل است که تهدیدی قطعی برای «برتری نظامی» دولتی است در منطقه که از روز نخستین خود، بر اصالت نژاد و قوم و مذهب، و برتری این عوامل بر موجودیتی به نام انسان، بنا نهاده شده

است. (۳)

۳- و بنابر این: ترویج این ایده که «آسوده بخوابید، همه چیز در امن و امان

است»، با هر نیتی که انجام پذیرد، کاری است نادرست... (۳)

روزنامه ی ایتالیایی «لاریوبلیکا» در ارتباط با تصمیم اولمرت به کناره گیری از مقام نخست وزیری، تحلیلی دارد که «کوریه انترناسیونال» در فرانسه، گزارشی از آن را دیروز ۳۱ ژوئیه منشر کرده است. لاریوبلیکا (جمهوری) یکی از دو پرنیواژ ترین روزنامه های ایتالیاست که بیشتر در طیف موسوم به «چپ میانه» قرار دارد؛ و تلاش برلوسکنی نخست وزیر میلیاردر به غایت بدنام و دزد و جنایتکار و فاشیست و جنگ طلب کنونی ایتالیا که یکی از شیوه های شناخته شده ی او تشکیل باند های تبهکار متشکل از رسانه های عمومی بزرگ و پرنفوذ است، برای تصاحب آن تا کنون ناموفق مانده است. «کوریه انترناسیونال» نیز مشهور ترین نشریه فرانسوی در زمینه ی جمع آوری و ترجمه ی اطلاعات مربوط به مسائل بین المللی از رسانه های کشور های مختلف جهان است.

۱۱ مرداد ۱۳۸۷

اول اوت ۲۰۰۸

اهود اولمرت که به خاطر دزدی و فساد مالی، تحت تعقیب دادگستری اسرائیل قرار دارد اعلام کرده است که به زودی از مقام نخست وزیری کناره گیری خواهد کرد.

پی آمد های این امر را روزنامه ی ایتالیایی «لاریوبلیکا» چنین ارزیابی می کند: صرف نظر از آینده ی شخصی اهود اولمرت، در پی این کناره گیری، دو مشکل اساسی می تواند به وجود آید:

مشکل اول: توقف گفتگو میان اسرائیل و فلسطینی ها.

و مشکل دوم: بیشتر شدن احتمال حمله ی اسرائیل به ایران.

لارپولیکا تأکید می کند که این، تصادفی نیست که می بینیم که جانشین احتمالی اولمرت، یعنی شائول موفاز که یکی از جنگ طلبان حزب حاکم «کادیم» در اسرائیل است (۴) در پی اعلام تصمیم اهود اولمرت به کناره گیری - فوراً و بی درنگ - اعلام کرد که هر نوع احتمال و فرضیه ی تفاهم با فلسطینی ها را مردود می شمارد.

موفاز، همچنین، مخالف آتش بس با حماس است [آتش بس بسیار شکننده یی که اولمرت در عین ادامه ی محاصره ی تمام و کمال غزه، و قتل عام تدریجی هر روزه ی مردم آن، به خصوص کودکان و سالمندانی که توان مقابله با بی داری و بی غذایی را ندارند، فعلاً مجبور شده است که به آن تن بدهد - م]. (۵) اما اگر وزیر خارجه ی فعلی اسرائیل، «لیونی»، بتواند به جای شائول موفاز، جانشین اولمرت شود، صورت مسئله، متفاوت خواهد بود:

هر زمان که ثبات داخلی در اسرائیل به خطر می افتد، تشکیل یک دولت ائتلافی با شرکت لیکود و حزب کارگر، به عنوان یک راه حل، پیشنهاد می شود. و احتمال می رود که «لیونی» دولتی از این دست تشکیل دهد.

اما موضع لیکود، و حزب اسرائیلیان روسی تبار، نیز موضعی سخت و آشتی ناپذیر در برابر رام الله [مقر دولت محمود عباس - م] و غزه [مقر دولت حماس - م] و تهران است. (۶)

به هر حال، همه چیز بستگی به انتخابات درونی کادیم و همچنین تصمیم حزب کارگر اسرائیل دارد...

۱ - تقریباً در اولین روز های انتصاب احمدی نژاد به سمت «رییس جمهوری»، مطلبی در تشریح این بُعد مشخص قضیه نوشته ام با عنوان «می خواهند بحران حقوق بشر در ایران را با بحران اتمی جایگزین کنند»

<http://www.ghognoos.org/khabar/khabar15/mikhahand.html>

۲ - بنا به گزارش رادیو رسمی اسرائیل، گفتگوهای اهود باراک بر دو محور زیر متمرکز خواهد بود:

- برنامه ی اتمی ایران.

- راه های حفظ «برتری کیفی و تعیین کننده ی ارتش اسرائیل» در منطقه ی خاور میانه.

از گزارش لوموند در ارتباط با سفر های متراکم و پیاپی یکی دو هفته ی اخیر بالاترین مقامات سیاسی و نظامی اسرائیل (اولمرت، باراک، موفاز، ژنرال اشکنازی رییس ستاد مشترک ارتش اسرائیل، و ...) به آمریکا و دیدار های ویژه شان با بوش، دیک چینی، مقامات پنتاگون، و رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا که مخالف حمله ی نظامی به ایران است:

بالاخره اسرائیل ۱۶ تا ۲۸ میلیون نفرمان را خواهد کشت

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/monde-barak-0708.html>

۲- راقم این سطور، خود، بارها در طی پنج سال اخیر، نوشته ها و ترجمه هایی منتشر کرده است که در آن ها احتمال وقوع جنگ، کمتر از آنچه به نظر می آید دانسته شده است. یعنی نوشتن و ترجمه در باره ی خطر جنگ، الزاماً به معنای قطعی دانستن وقوع آن نیست. بلکه مصداق آن کلام پراج است که «آن که تو را از خطری برحذر می دارد، همانند کسی است که تو را به ایمنی پی بشارت می دهد». تعداد مطالبی که به آن اشاره شد زیاد است و علاقمندان می توانند به آن مطالب در صفحات مختلف «خبر و نظر» سایت فغنوس مراجعه کنند. از جمله به عنوان مثال به مطالب زیر:

- رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا، بوش و اولمرت را از عواقب حمله به ایران برحذر می دارد.

- از مذاکره در سایه تا طرح تأسیس کنسرسیوم غنی سازی اورانیوم در ایران.

- رییس دفتر کالین پاول: آمریکا در صورت حمله به ایران، باید آماده ی ده سال اشغال ایران باشد.

- پرفسور میشل شاسوداوسکی: ارتش آمریکا، در جنگ با ایران دچار تردید شده است.

۴- موفاز در آغاز ماه ژوئن امسال اعلام داشت که اگر ایران به برنامه ی تولید سلاح اتمی ادامه دهد ما به ایران حمله خواهیم کرد. موفاز این سخنان را در

شرایطی به زبان آورده است که به دلیل فاش شدن دزدی ها و فساد مالی اولمرت، نخست وزیر کنونی اسرائیل، خود را برای جایگزینی او آماده می کند. همان لینک شماره ۲

۵- در مورد آمادگی کامل و همیشگی حماس برای گفتگو با اسرائیل، و قطع هر نوع عملیاتی علیه این کشور، بدون هیچ پیش شرط عجیب و غریب و غیر عادی پی، می توانید مراجعه کنید از جمله به دو مقاله از جان پیلجر و یوری اونری، به ترجمه ی همین قلم:

«دیوار برلن» های جدید را در هم فرو ریزیم! (جان پیلجر)

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/pilger-gaza.html>

صبح به خیر، حماس! (یوری اونری)

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/avnery-morning.html>

۶- میشل وارشاوسکی، متفکر و نویسنده ی برجسته و آزاده ی اسرائیلی: مسأله ی غزه، اصلاً مسأله ی جنگ داخلی نیست. مسأله، مسأله ی یک توطئه ی کورتاژ شده ی کودتاست. کودتایی که ساز های ارکستر آن در واشنگتن و تل آویو کوک شده بود...

در مقابله با توطئه ی بی ثبات سازی پی که آمریکا و اسرائیل آن را طرح ریزی کرده بودند، حماس ناچار شد که غزه را در یک درگیری با الفتح در کنترل بگیرد و توطئه را درهم بشکند.

اما غربی ها بر آتش تفرقه افکنی و ایجاد دودستگی می دمند؛ و از محمود عباس حمایت می کنند... حماس، بیشتر از ۲۴ ساعت لازم نداشت تا اوباشی را که نیروی اصلی میلیشیای محمد دحلان را تشکیل می دهند تار و مار کند؛ و اینچنین، بر توطئه ی کودتایی نقطه ی پایان نهد که سازمان امنیت اسرائیل و وزارت امور خارجه، پشتیبان آن بودند...

از مقاله ی «در فلسطین چه کسی علیه چه کسی کودتا کرد؟» بازتکثیر شده توسط «لیگ کمونیست انقلابی فرانسه» به ترجمه ی همین قلم:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/warschawski-l.html>